

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

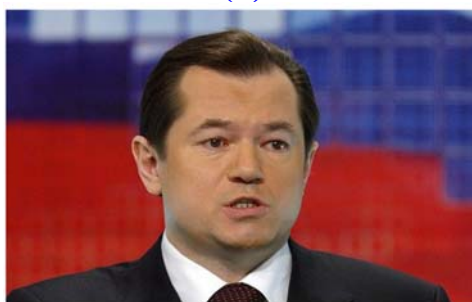
Political

سیاسی

برگرفته از : د ساکر The Saker – ۳ اپریل ۲۰۲۲*
نویسنده: سرگنی گلازیف
برگردان: تارنمای ۱۰ مهر
۱۹ اپریل ۲۰۲۲

چنین رویدادهائی فقط قرنی یکبار اتفاق می افتد

(۳)



In this file photo, Feb. 18, 2004, presidential candidate Sergey Glaziyev speaks at a Russian TV channel 1 studio in Moscow. (AP Photo/Sergey Ponomarev; File)

در سطح دولت یا در سطح رئیس‌جمهور؟

ابتداء آن را به بخش‌هائی که مسؤول این مسائل هستند ارسال می‌کنیم. ما بحث خواهیم کرد، نوعی تفاهم مشترک ایجاد خواهیم کرد و سپس به سطح سیاسی خواهیم رفت.

بانک مرکزی به سیاست کارچاق‌کنی و واسطه‌گری ادامه می‌دهد.

در کانال تلگرام خود می‌نویسید که تنها چیزی که باقیمانده ملی کردن بانک روسیه است. چرا هنوز انجام نشده است؟ به‌عنوان مثال، این دیدگاه وجود دارد که الویرا نابیولینا در پست خود به‌عنوان فردی نمایشی باقی می‌ماند، اما دیگر هیچ چیز جدی را مدیریت نخواهد کرد. آیا می‌توانید این موضوع را رد یا تأیید کنید؟ می‌دانید، من نمی‌خواهم در تئوری‌های توطئه شرکت کنم.

این یک تئوری توطئه است؟

بله، ما می‌توانیم در مورد دولت پنهان امریکا به‌صورت توطئه صحبت کنیم. در این مورد، تئوری‌های توطئه یک خط فکری بسیار مناسبی است، زیرا در امریکا، زیر چتر رؤسای جمهور و نمایندگان کنگره، نیروهای پنهانی وجود دارند – آژانس‌های ویژه و در میهن ما همه چیز ساده است. ما رئیس‌جمهور، رئیس دولتی داریم که شکل عمودی قدرت را

ساخته‌اند. نحوه تشکیل مجلس و قوه قضائیه در کشور ما کاملاً مشخص است. به‌طور کلی در اینجا، هیچ تئوری توطئه‌ای نمی‌تواند اعمال شود. در مورد بانک مرکزی هم همین‌طور. یادآوری می‌کنم که طبق قانون بانک مرکزی، تمام اموال آن متعلق به فدرال است. بنابراین بانک مرکزی یک ساختار دولتی است و کوچکترین تردیدی در آن وجود ندارد.

و همیشه می‌گفتند که بانک مرکزی گویی در حاشیه است.

هیأت مدیره بانک مرکزی به پیشنهاد رئیس‌جمهور توسط دومای دولتی منصوب می‌شود. من سال‌ها به‌عنوان نماینده آن در هیأت بانک‌های ملی که بر فعالیت‌های بانک مرکزی نظارت دارد، خدمت کرده‌ام. می‌توانم بگویم در این که بانک مرکزی نهاد دولتی تنظیم‌گرش پول و همچنین تنظیم‌کننده اصلی مالی کشور است، شکی وجود ندارد.

اما تفاوت‌های ظریفی هم وجود دارد. در قانون اساسی بانک مرکزی را ملزم می‌سازد که سیاست‌های خود را مستقل انجام دهد، یعنی مستقل از دولت، اما این بدان معنا نیست که بانک مرکزی مستقل از دولت است. بانک مرکزی یک نهاد دولتی است. در اینجا سیستم قضائی کشور ما نیز به‌طور رسمی مستقل از دولت است. بنابراین بانک مرکزی به‌عنوان یک نهاد مستقل، به‌عنوان یک نهاد نظارتی دولتی تشکیل شده و باید وظایفی را که برای توسعه اقتصاد ما ضروری است، انجام دهد. برای این کار لازم است بانک مرکزی در برنامه‌ریزی ستراتیژیک مشارکت داشته باشد. کلاسیک‌گرش پولی تصریح می‌کند که هدف اصلی مقامات پولی، یعنی بانک مرکزی، باید ایجاد شرایط ضرور برای حداکثر ساختن سرمایه‌گذاری باشد. این همان کاری است که سیستم بانکی باید انجام دهد - به حداکثر رساندن سرمایه‌گذاری. زیرا هر چه سرمایه‌گذاری بیشتر باشد، تولید بیشتر باشد، سطح فنی بالاتر، هزینه‌ها کمتر و تورم کمتر شود، اقتصاد پایدارتر می‌شود. تثبیت اقتصاد کلان در اقتصاد مدرن تنها بر اساس پیشرفت شتابان علمی و فناوری امکان‌پذیر است. تلاش‌ها برای مبارزه با تورم (یکی از این کلمات کلیدی) که بانک مرکزی در ۱۰ سال گذشته عملاً از آن تقلید کرده است، دستکاری نرخ بهره کلیدی می‌باشد که در پس‌زمینه روبل شناور آزاد، کوتاه‌بینانه، بدوی و غیرسازنده است. معمولاً این اقدامات توسط صندوق بین‌المللی پول برای کشورهای توسعه‌نیافته توصیه می‌شود که خودشان نمی‌دانند چگونه فکر کنند.

هدف‌گذاری تورمی در عمل چیست؟ این مجموعه اقدامات بسیار ابتدائی و متناقض داخلی است که به‌کارگیری آن اقتصاد را به دام رکود تورمی می‌کشانند. بانک مرکزی روبل را شناور آزاد ساخته است که از نقطه نظر هدف‌گذاری تورم در اقتصاد باز که نرخ ارز مستقیماً بر قیمت‌ها تأثیر می‌گذارد، پوچ است و ما می‌بینیم که چگونه کاهش ارزش روبل به‌طور دوره‌ای قیمت‌ها را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، آنها سیاست پولی را تنها به یک ابزار کاملاً ابتدائی کاهش دادند - دستکاری نرخ بهره کلیدی. اما نرخ کلیدی درصدی است که بانک مرکزی به اقتصاد وام می‌دهد و پول را از اقتصاد خارج می‌کند. تلاش آن‌ها برای سرکوب تورم با افزایش نرخ بهره نمی‌تواند در اقتصاد امروز موفقیت‌آمیز باشد، زیرا هرچه نرخ بهره بالاتر باشد، اعتبار کمتر، سرمایه‌گذاری کمتر، و سطح فنی و رقابت‌پذیری کمتر می‌شود. کاهش دومی منجر به کاهش ارزش روبل در ۳-۴ سال پس از افزایش نرخ بهره می‌شود که ظاهراً برای مبارزه با تورم انجام شده است. بعد از این که اجازه دادند نرخ مبادله روبل آزادانه شناور شود، در واقع آن را در اختیار سفته‌بازان ارز قرار دادند.

امریکائی‌ها واقعاً این سیاست‌ها را دوست دارند، از همین رو رهبری بانک مرکزی ما و وزارت دارائی ما را به‌هر نحو ممکن ستایش می‌کنند. بالاخره چه چیزی برای آنها مهم است؟ به‌طوری که همه چیز به دالر گره خورده است، طوری که روبل یک ارز "اشغال" می‌باشد که ناپایدار است و این یک پارادوکس است، زیرا میزان ذخایر ارزی

فدراسیون روسیه اخیراً ۳ برابر بیشتر از عرضه پول روبل بوده است! یعنی بانک مرکزی در هر سطحی می‌توانست نرخ ارز را تثبیت کند. اما این کار را نکرد.

و سفته‌بازانی که بانک مرکزی در واقع روبل را به‌سوی آنها پرتاب کرد تا آن را خرد کنند، چه کسانی هستند؟ سفته‌بازان اصلی صندوق‌های تأمینی امریکائی هستند که در واقع با دست‌کاری بازار، نرخ مبادله روبل را شکل می‌دهند. اما بانک مرکزی متوجه این موضوع نمی‌شود یا بهتر است بگوئیم وانمود می‌کند که متوجه نمی‌شود. بانک مرکزی برای این که آنها را در بازار ارز نگه دارد با افزایش نرخ سود، اعتبار را می‌کشد و بدین ترتیب اقتصاد ما را به منابع اعتباری خارجی و سیستم مالی ارز را وابسته به منافع دلالت می‌کند. این همان چیزی است که بانک مرکزی با پنهان شدن پشت سر واژگان سردی مانند "هدف‌گذاری تورمی" به نفع آن عمل می‌کند، که در سال‌های گذشته به‌طرز شرم‌آوری از نظر پویائی قیمت واقعی شکست خورده است. بنابراین در کشور ما ضعیف‌ترین نقطه کل سیستم امنیت ملی به‌طور کلی بانک مرکزی است. رهبری آن توسط سلاح شناختی دشمن مورد اصابت قرار می‌گیرد و به‌عبارت دیگر توسط آن زامبی می‌شود. در واقع مقامات پولی ما همان کاری را انجام می‌دهند که دشمن نیاز دارد.

اتفاقاً من به لحاظ ریاضی و زمانی ثابت کردم که اولین موج تحریم‌ها علیه روسیه وقتی اعمال شد که بانک مرکزی زمینه را برای آن فراهم کرد، یعنی اجازه داد نرخ روبل آزادانه شناور شود و اعلام کرد که در صورت آغاز تورم، نرخ بهره را افزایش خواهد داد. به‌محض این که بانک مرکزی به‌سمت این سیاست عجیب حرکت کرد، امریکائی‌ها بلافاصله تحریم‌هایی را اعمال کردند. سفته‌بازان آنها سقوط نرخ روبل را تضمین کردند، این باعث ایجاد موج تورمی شد و بانک مرکزی به‌دستور صندوق بین‌المللی پول نرخ بهره را افزایش داد که اقتصاد ما را کاملاً فلج کرد. کل خسارت این سیاست امروز به ۵۰ تریلیون روبل محصولات تولیدنشده و حدود ۲۰ تریلیون روبل سرمایه‌گذاری ناتمام رسیده است. اکنون باید ۳۰۰ میلیارد دالر سرمایه‌گذاری شده در دارائی‌های خارجی را که در حال حاضر مسدود شده‌اند به این اضافه کنید - این ضرر است.

بنابراین، وقتی از ملی شدن بانک مرکزی صحبت می‌کنیم، صحبت از ملی کردن رسمی آن (که قبلاً ملی شده است) نیست، بلکه در مورد وارد کردن آن به سیاست انطباق با منافع ملی صحبت می‌کنیم. در حال حاضر سیاست‌های آن در تضاد با منافع ملی است و هیچ توطئه‌ای در اینجا وجود ندارد. می‌بینیم که چنین سیاستی در راستای منافع چه کسانی دنبال می‌شود. بانک مرکزی نرخ بهره را به ۲۰ درصد افزایش داد و به بانکداران موقعیت مسلط در اقتصاد داد. آنها با در اختیار داشتن گران‌ترین و کمیاب‌ترین منبع، یعنی پول، تعیین می‌کنند که کدام بنگاه زنده بماند و کدام بنگاه بمیرد، ورشکست شود و غیره. افزایش نرخ بهره، کل اقتصاد روسیه را در گروگان تعداد انگشت‌شماری از بانکداران قرار داده است. این در مورد اول. دوم این که، رهبری بانک مرکزی اجازه سقوط مجدد نرخ مبادله روبل را داد و مبادلات ارز را تعطیل کرد. در نتیجه، امروزه بانک‌ها به سفته‌بازان اصلی ارز تبدیل شده‌اند: آنها ارز را به ازای هر دالر حدود ۹۰ روبل می‌خرند و آن را به قیمت ۱۲۵ روبل می‌فروشند.

اما به‌نظر شما چرا بانک مرکزی فدراسیون روسیه سیاستی را دنبال می‌کند که به‌نفع دشمن است.

همانطور که گفتیم، این کار را به توصیه صندوق بین‌المللی پول انجام می‌دهد. اما منافع آن بین بانک‌های بزرگ ما نیز مشترک است که به‌طور عینی این سیاست را دوست دارند و همچنین ساختارهای پولی و مالی ما که در دست‌کاری نرخ مبادله روبل نیز سهم‌مند. بنابراین حول این سیاست یک لابی تأثیرگذار شکل می‌گیرد که بر اساس منافع خصوصی خود از این سیاست حمایت می‌کند. این منافع در تضاد با منافع کشور است، دقیقاً در مقابل آن است. و اگر به آنچه که

امروز بانک مرکزی انجام می‌دهد نگاه کنید، شک ندارم که همچنان به سیاست کمک به دشمن ادامه می‌دهد. با اجازه دادن به سفته‌بازان بین‌المللی برای دستکاری نرخ روبل، ثبات اقتصاد کلان را تضعیف می‌کند و موقعیت ارزی بانک‌هایی را که به سفته‌بازان ارز تبدیل شده‌اند کنترل نمی‌کند؛ اگرچه بانک مرکزی می‌تواند براحته بانک‌ها را با تثبیت موقعیت ارزی آنها از بازار ارز خارج کند. ممنوعیت خرید ارز توسط بانک‌ها و ثانیاً - با افزایش نرخ بهره، بانک مرکزی در واقع سرمایه‌گذاری‌ها در توسعه اقتصاد روسیه را که در حال حاضر بسیار مورد نیاز است، عمدتاً برای جایگزینی واردات و احیای حاکمیت اقتصادی، متوقف کرده است، در حالی که رهبری ما می‌گوید که ما باید از تحریم‌ها نترسیم زیرا تحریم شرایط تازه‌ای را برای رشد اقتصادی، برای جایگزینی واردات ایجاد می‌کند.

ببینید، حدود یک سوم واردات اتحادیه اروپا از بازار ما خارج شده است. اینها فرصت‌های بزرگی برای جایگزینی واردات هستند. اگر فرض کنیم که شرکت‌های ما شروع به توسعه این بازارها کنند، ما در سال ۱۵ درصد توسعه خواهیم یافت. اما برای این نیاز به وام وجود دارد. جایگزینی واردات بدون وام امکان‌پذیر نیست. ما برای راه‌اندازی امکانات تولید، تسلط بر فناوری‌های جدید، بارگیری ظرفیت‌های تولیدی غیرفعال به وام نیاز داریم. ما مدتهاست که چنین ستراتیژی توسعه پیشرفته‌ای را در فرهنگستان علوم تدوین کرده‌ایم و در حال ترویج آن می‌باشیم. اما متأسفانه سیاست جنون‌آمیز بانک مرکزی از دیدگاه ما ساختارهای تأثیرگذاری کاملاً مشخصی دارد که آن را می‌پسندد و از آنها حمایت می‌کند. به همین دلیل است که این سیاست تاکنون دوام آورده و پایدار است.

"امکان تثبیت روبل در سه روز وجود دارد"

سرگنی یوریویچ، اگر این تئوری توطئه نیست، پس چرا بانک مرکزی به چنین سیاستی ادامه می‌دهد؟ فقط بر اساس منافع لابیست‌ها؟

چه کسی جنگ را دوست دارد و مادر برای کی عزیز است. بانک‌های تجاری از سفته‌بازی ارز ۴۰ درصد سود به‌دست می‌آورند. شما هر دالر را ۹۰ روبل می‌خرید - آن را به قیمت ۱۲۵ روبل می‌فروشید. ۳۵ روبل سود - هیچ چیز آسان‌تر از این نیست! در نتیجه تورم داریم، واردات گران می‌شود، همه این نرخ جنون‌آمیز را می‌بینند. قیمت همه کالاها در حال افزایش است، اما در عوض بانک‌ها سودهای فوق‌العاده می‌برند.

حول چنین سیاستی یک لابی بسیار تأثیرگذار شکل گرفته است و اعتراف به شکست چنین ستراتیژی، از نظر برای بسیاری از مردم در واقع به‌معنای اعتراف به بی‌کفایتی و حتی کارشکنی آنهاست و سفته‌بازان با بانک‌های بزرگ در کشور ما، ساختارهای کاملاً تأثیرگذاری هستند که بر تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارند.

خوب بالاخره چی، این اطلاعات به‌دست نفر اول (پوتین) نمی‌رسد، مسدود شده است؟

زمانی که من مشاور بودم، این اطلاعات را در اختیار گذاشتم.

آیا به شما گوش داده‌اند؟

بله، بحث‌هایی شد، در شورای اقتصاد مطرح شد، ولی بعد تعطیل شد تا باعث عصبانیت مسئولان نشود. حالا من نمی‌خواهم در مورد آن اظهارنظر کنم. امروز می‌بینیم که اگر سیاست پولی را تغییر ندهیم، بقای ما در این جنگ ترکیبی بسادگی غیرممکن خواهد بود. اکنون باید با افزایش جدی تولید داخلی با تحریم‌های اقتصادی مقابله کنیم.

امکانات تولیدی برای این کار وجود دارد، مردم، مواد خام، و مغزها هم برای این کار وجود دارد، اما پولی وجود ندارد. در حال حاضر، سادهترین چیزی که دولت میتواند به مردم بدهد، پول است.

چه حسی دارید؟ آیا در رأس تفاهم وجود دارد؟

من فکر می‌کنم که شما باید مستقیماً این سؤال را از آنها بپرسید.

اما بسیاری از مردم شما را تقریباً فرد شماره یک در وضعیت فعلی می‌نامند - یک شخصیت عمومی که می‌تواند روسیه را نجات دهد.

تشکر از شما برای این ارزش‌گذاری. تمام تلاشم رو می‌کنم.

فقط می‌خواهم بفهمم: اگر قبلاً در سرزمین پدری ما پیامبری نبود، آیا اکنون ظهور کرده است؟ آیا این وضعیت در بانک مرکزی موقتی است؟

من می‌گویم ۳۰ سال خیلی طولانی است. اگر ما یک سیاست پولی شایسته را مطابق با الزامات نظم جدید اقتصادی جهانی، مانند چین در یک سیستم یکپارچه انجام می‌دادیم - سالانه ۱۰ درصد - توسعه می‌یافتیم. چنین امکاناتی وجود داشت و ما اساساً در این ۳۰ سال گذشته در همان نقطه در جا می‌زدیم. بنابراین حتی مسأله این نیست که آیا آنها گوش می‌دهند یا نه، فقط باید عینی نگاه کنید و ببینید چین و هند چگونه در حال توسعه می‌باشند و ما در حال چگونه توسعه‌ای هستیم. چه چیزی دقیقاً ما را از توسعه با همان روش باز داشت؟

علاوه بر این، سیستم کنترل نظم نوین اقتصاد جهانی که در کتاب‌هایم توضیح می‌دهم، همگانی است. این نظم نوین اقتصادی قبل از این که امریکائی‌ها رشد اقتصادی جاپان را در هم شکنند، در جاپان با موفقیت کار کرد و نتیجه داد. و حتی در اتیوپی، جایی که آنها نیز شروع به تشکیل این مدل مدیریتی کردند (و به رشدی چندمرتب‌ای دست یافتند). یعنی این مدل مدیریت جهانی اقتصاد مدرن که بر رشد رفاه اجتماعی از طریق سرمایه‌گذاری در نظم جدید فناوری متمرکز شده است، نیاز به اجراء دارد. در عین حال، البته استفاده هدفمند از پول مستلزم مسؤلیت بالائی است. پرتاب پول از هلیکوپتر - این کار ما نیست.

این مسیر ما نیست.

ما در مورد صدور اعتبار هدفمند مبتنی بر ابزارهای مدرن دیجیتال با یک سیستم کنترل دقیق متمرکز بر سرمایه‌گذاری در فناوری‌های جدید صحبت می‌کنیم. ما می‌دانیم که چگونه این کار را انجام دهیم، چگونه از طریق معرفی فناوری‌های دیجیتال، از جمله روبل دیجیتال، عامل انسانی را به حداقل برسانیم. اما برای کسانی که هنوز به ستراتیژی‌های قدیمی پایبند هستند زیان‌آور است. آنها از روسیه یک گاو شیرده پول نقد درست کردند، ۱۰۰ میلیارد دلار از آن را در خارج از کشور با شرکت‌های خارج از کشور مکینند. اما حالا امریکائی‌ها راه برون مرزی را برای ما بسته‌اند. یک فرصت واقعی وجود دارد، ما باید از آن استفاده کنیم.

چه توصیه‌ای به مردم می‌کنید؟ اکنون پرسش اصلی در موتورهای جست و جوی اینترنتی این است که در عصر آشفته‌گی پول را کجا باید سرمایه‌گذاری کرد. مردم باید چه کار کنند؟

من می‌گویم ابتداء هیچ حرکت ناگهانی انجام ندهید. در هر صورت، چیزی که مطمئناً ضروری نیست - دویدن به دنبال دالر یا یورو است. زیرا نمی‌دانیم در آینده با این ارزها چه اتفاقی خواهد افتاد. اگر ارتباط سیستم ما با سیستم غربی قطع شود، بانک‌های ما نمی‌توانند دالر و یورو را در جایی سرمایه‌گذاری کنند، مگر در سفته‌بازی ارز. اما امیدوارم مسئولان ما همچنان بازار ارز را مهار کنند.

در این زمینه، اقدام بانک‌ها برای افزایش شدید نرخ سود سپرده‌های ارزی، آشکارا عملی افراط‌آمیز بود که وحشت برانگیز است. من فکر می‌کنم در صورتی روبل تثبیت می‌شود که البته سفته‌بازان از بازار ارز حذف شوند و ارز فقط برای واردکنندگان و افرادی که به خارج از کشور می‌روند و یا در محدوده معقول برای اقوام خود می‌فرستند و یا طبق مقررات به سفر کاری می‌روند پرداخت شود. بقیه کارها تماماً باید برای مسدود کردن کانال‌های نشأت ارز باشد. سپس جریان ارزی ما دوباره عادی می‌شود.

می‌دانید، ما تراز تجاری بسیار مثبتی داریم. ۸۰ درصد درآمد ارزی برای فروش اجباری معرفی شد. اگر این درآمد در بورس فروخته شود، مقدار ارز بیشتر از نیاز واردکنندگان خواهد بود. ارز مازاد خواهیم داشت. این بدان معنی است که روبل تقویت می‌شود، یعنی به شاخص‌های قبلی - ۸۰ یا حتی ۷۰ روبل در هر دالر بازمی‌گردد. اما تا زمانی که بانک مرکزی سفته‌بازان را از بازار حذف نکند و به بانک‌های تجاری اجازه ندهد که چنین کنند، نرخ روبل تثبیت نخواهد شد. متأسفانه مقامات پولی هنوز به‌خود نیامده‌اند و هنوز شروع به اجرای سیاست درست تثبیت اقتصاد کلان نکرده‌اند، در صورت امکان، متأسفانه جز سرمایه‌گذاری در طلا، توصیه دیگری نمی‌توانم بکنم (به‌ویژه این که دولت مالیات بر ارزش افزوده را از طلا حذف کرد).

پس طلا بخریم؟

لوازم ضروری را بخرید یا در املاک و مستغلات، در چیزی قابل اعتماد سرمایه‌گذاری کنید. در مورد سرمایه‌گذاری در دالر و یورو... آنها دیگر برای ما ارز نیستند. این دیگر یک واحد پولی نیست، بلکه برخی از تعهدات کشورهای دیگر است که ممکن است انجام شود یا نشود. پس باید به دنبال امکانات دیگری باشیم. اما یک بار دیگر تأکید می‌کنم که با سیاست‌های درست می‌توانیم خیلی سریع روبل را تثبیت کنیم و حتی قدرت خرید آن را بازیابی کنیم.

و بالاخره از چه منظری؟

حتی فردا هم می‌شود انجام داد، فهمیدی؟ دولت پریماکوف و [ویکتور] گراشچنکو این کار را در یک هفته انجام دادند.

آیا دولت توانایی انجام این کار را دارد؟

البته که می‌تواند. برای انجام این کار، به‌طور کلی، دو تصمیم باید اتخاذ شود: تثبیت وضعیت ارزی بانک‌های تجاری و معرفی هنجارهای فروش ارز برای عملیات غیرتجاری، حفظ بازار ارز قابل تبدیل آزاد فقط برای عملیات تجاری. همین. این را می‌توان در ۱۵ دقیقه نوشت، ظرف یک روز اعلام کرد و در عرض سه روز پس از اجراء - روبل تثبیت خواهد شد.

[* https://thesaker.is/events-like-these-only-happen-once-every-century-sergey-glazyev](https://thesaker.is/events-like-these-only-happen-once-every-century-sergey-glazyev)

منبع اصلی این مصاحبه سایت روسی "مجله اینترنتی کسب و کار" است که در تاریخ ۲۷ مارچ ۲۰۲۲ در لینک زیر

منتشر شده است:

<https://www.business-gazeta.ru/article/544773>

۱- **زامبی** (انگلیسی zombie): یک مرده از گور برخاسته و از لحاظ جسمانی متحرک و افسانه‌ای است که از طریق زنده کردن یک جنازه به وجود آمده است. زامبی‌ها بیشتر در آثاری با ژانر ترسناک و فانتزی یافت می‌شوند. این اصطلاح از فولکلور هائیتی آمده که در آن زامبی یک بدن مرده است که از طریق روش‌های مختلف و معمولاً جادویی مانند ودو زنده می‌شود. (ویکی پدیا)

۲- **پول بی‌پشتوانه یا Fiat Money** ، **(پول دستوری یا فیات)** به ارز داخلی گویند که با وجود فقدان پشتوانه و فقدان ارزش ذاتی، دولت آن را به عنوان پول رایج کشور معرفی می‌نماید.

۳- کیو آر کد (QR Code) چیست؟

شما ممکن است تاکنون مطالبی را در مورد کد کیو آر (QR) شنیده باشید اما دقیقاً مفهوم QR کد چیست؟ کد Quick Response (کد پاسخ سریع)، یک نوع بارکد دو بعدی است که می‌تواند با استفاده از گوشی‌های هوشمند و دستگاه‌های اختصاصی خواندن کد QR خوانده شود که به‌طور مستقیم به متن، ایمیل، وبسایت، شماره تلفون و ... لینک می‌شود. شما حتی ممکن است با اسکن یک کد QR به سایت مربوطه متصل شوید.

کد QR در جاپان و سراسر شرق با وسعت زیاد و در غرب به آرامی شروع به تبدیل شدن به امری عادی کرده است. بزودی شما بیش از پیش با کد QR بر روی بسته‌بندی محصول، نمایش فروشگاه، تبلیغات چاپی و هر تبلیغاتی که روی دیوار نصب شود و همچنین در ایمیل و وبسایت روبه رو خواهید شد. دامنه استفاده از کد QR بسیار وسیع است، به‌خصوص برای بازاریابی و تبلیغات محصولات، علامت‌های تجاری، خدمات و هر چیز دیگری که به فکر شما می‌رسد.